

بررسی و نقد کتاب «تاریخ فرهنگ و هنر ایران (پیش از اسلام)»

جواد حسین‌زاده ساداتی*

چکیده

فرهنگ و هنر ایران آنچنان پیچیده و غنی است که بیش از یک سده است که پژوهشگران به کشف و توصیف و توضیح آن پرداخته و همچنان نیز در وصف آن قلم می‌زنند. کتاب تاریخ فرهنگ و هنر ایران نیز از جمله کتاب‌هایی در این زمینه است که برای معرفی فرهنگ و هنر ایران در دوران پیش از اسلام به دانشجویان و علاقه‌مندان تهیه و تدوین شده است. کتاب تلاش کرده تا با دیدگاهی در زمانی (Diachronic) به معرفی و بحث (هر چند مختصر) در مورد ابعاد مختلف هنر و فرهنگ ایران پیش از اسلام بپردازد. چنین تلاش‌هایی قطعاً در آشنایی نسل جوان کشور با فرهنگ‌های گذشته جامعه ایران و به ویژه ایران باستان مفید و در شرایط امروزی که بحران هویت گریبان جامعه ما را گرفته، راهگشا خواهد بود. نوشتار حاضر نخست به معرفی این اثر پرداخته و چارچوب شکلی و محتوایی آن بررسی و توصیف می‌کند. سپس هم در مورد شکل و هم در مورد محتوا، پیشنهاداتی را ارائه می‌کند که نگارنده امیدوار است در صورت به کارگیری آنها در چاپ‌های بعدی کتاب، موجب بهبودی کیفی آن شده و نگارندگان کتاب را هر چه بیشتر به هدف اصلیشان نزدیک کند.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان، باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، هنر.

۱. مقدمه

بررسی فرهنگ و هنر ایران در دوران پیش از اسلام، تا کنون موضوع اصلی بسیاری از نوشته‌ها و نگارش‌ها بوده و توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. با مروری به فهرست آثار و نوشته‌هایی از این دست در می‌یابیم که در کل این گونه آثار را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم بندی کرد. دسته نخست شامل کتاب‌ها، مقالات و نوشته‌هایی می‌شوند که به قصد توصیف، تحلیل، توضیح و تفسیر فرهنگ و هنر ایران در دوران پیش از اسلام نگاشته شده و هر یک به فراخور حال، به تفصیل یا به تخیل در این باره قلم زده‌اند. اما دسته دوم شامل آن گروه از نگارش‌ها و تقریراتی می‌شوند که به هدف آموزش و معرفی فرهنگ، هنر و آثار این دوران به دانشجویان و سایر اقشار جامعه نگاشته شده و هدف آنها انتقال آن چیزی است که تا اندازه‌ای از آنها شناخت حاصل شده است. کتاب «تاریخ فرهنگ و هنر ایران (پیش از اسلام)» نیز در اصل کتابی است آموزشی که بیشتر برای معرفی هنر و فرهنگ ایران باستان به دانشجویان رشته‌های مختلفی مانند تاریخ، باستان‌شناسی، مطالعات تاریخی، معماری و هنر که با فرهنگ و هنر ایران باستان سروکار دارند تدوین شده^۱ و چندان سایر اقشار جامعه را مخاطب خویش قرار نداده است. این اثر که اثری بیشتر توصیفی و کمتر تحلیلی است شامل گردآوری مطالب و موضوعات مختلف در مورد تاریخ و فرهنگ ایران در دوره‌های مختلف پیش از تاریخ و دوران تاریخی ایران است. این کتاب که در شش فصل تنظیم شده، از یک چارچوب زمانی و تاریخی منظم معمول پیروی می‌کند؛ به گونه‌ای که در ابتدا از معرفی کهن‌ترین آثار تاریخی و فرهنگی به دست آمده در ایران آغاز کرده و سپس بر اساس یک سیر منظم تاریخی به بررسی هنر و فرهنگ دوره‌های جدیدتر (تا پیش از ورود اسلام به ایران) می‌پردازد. فصل نخست کتاب به معرفی بسیار مختصر فرهنگ و هنر پیش از تاریخ ایران (Prehistory) اختصاص دارد. فصل دوم با مقدمه‌ای در مورد سرزمین و فرهنگ عیلام (Elamite) آغاز شده و سپس به جنبه‌های مختلف هنری و فن‌شناختی این دوره اشاره می‌شود. در فصل سوم نویسندگان در ارتباط با دوره ماد قلم زده و در مورد ورود اقوام آریایی (Aryan) و سپس تشکیلات سیاسی و اجتماعی و نیز هنر و معماری این دوره مطالبی را گردآورده‌اند. فصل چهارم کتاب به دوره هخامنشی اختصاص یافته که فصلی بس مفصل‌تر از فصول پیشین کتاب است. در این فصل نویسندگان بسیاری از جنبه‌های هنری، فرهنگی، اقتصادی، دینی و فن‌شناختی دوره هخامنشی را بررسی کرده و در مورد هر یک به کوتاهی

مطالبی را بیان کرده اند. کتاب در فصل پنجم با مختصر توصیفی از دوره سلوکی در ایران آغاز شده و سپس به فرهنگ و هنر اشکانیان می‌پردازد. این فصل از کتاب که به مانند فصل پیشین (فصل سوم) تا اندازه‌ای پربیمانه تر از دو فصل نخست است، اصلی‌ترین ویژگی‌های فرهنگ و هنر پارتی را مورد هدف قرار داده و به معرفی آثار هنری و معماری آن می‌پردازد. فصل پایانی کتاب که به فرهنگ و هنر دوران ساسانی، آخرین سلسله پادشاهی در ایران پیش از اسلام، می‌پردازد، درازترین فصل کتاب است و به تقریب حدود یک سوم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. در این فصل نویسندگان به برخی از جزیی‌ترین جنبه‌های فرهنگ و هنر این دوران مانند شکار و خوردنی‌ها و موسیقی و حتی "عجایب بارگاه خسرو پرویز" نیز اشاره کرده اند. پایان بخش کتاب نیز کتابنامه اثر است و کتاب پیوست یا اضافاتی را شامل نمی‌شود.

۲. نقد ویژگی‌های صوری و ساختار کتاب

همانطور که اشاره شده کتاب بر اساس یک سیر تاریخی منظم و مشخص تدوین شده و زمان و تاریخ چارچوب صوری کتاب را تعیین کرده اند. اما در درون این چارچوب و داربست تاریخی، نگارندگان از یک دسته بندی دیگری استفاده کرده اند که جنس آن نه از جنس تاریخ بلکه از جنس سیاست است. بدین معنا که کتاب، تاریخ ایران را از بر پایه پیدایش حکومت‌های سیاسی به یکسری مراحل کوچکتر تقسیم بندی کرده که البته الگویی آشنادر نگارش کتابها و مقالات تاریخی است. استفاده از چنین چارچوب‌های زمانی و تاریخ در کلیت و همچنین استفاده از تقسیم بندی‌های جزیی‌تر سیاسی یکی از ویژگی‌های شایسته کتاب است که موجب درک بهتر سیر تحول و تطور فرهنگ و هنر یک سرزمین (در اینجا ایران زمین) می‌شود. اما زمانی که به تقسیم بندی‌های جزیی‌تر در درون هر فصل می‌نگریم به نظر نگارندگان اندکی سلیقه‌ای تر عمل کرده و از یک الگوی مشخص و یکدست پیروی نمی‌کنند. برای مثال در فصل نخست کتاب که به دوران پیش از تاریخ تا دوران عیلام اختصاص یافته، تنها سه زیرعنوان "پارینه سنگی (Paleolithic) و نوسنگی (Neolithic) و شهرنشینی (Urbanism) دیده می‌شود اما زمانی که به فصل‌های بعدی کتاب می‌نگریم، با زیرعنوان‌های بسیار خردتر و ریزتر مواجه می‌شویم. برای نمونه در فصل پنجم که به دوران سلوکی و اشکانی می‌پردازد حتی به پرورش اسب در این دوران نیز اشاره شده است (که البته موضوعی مهم است) اما نگارندگان در فصل نخست کتاب از

دوران پیش از تاریخ که دوره ای بس طولانی و در عین حال پر اهمیت است، بسیار با شتاب گذر کرده اند. این شتابزدگی منجر به کم اهمیت شدن دوران پیش از تاریخ در نزد مخاطب شده و تاثیر فرهنگ های این دوران بر دوران سپسین را نادیده می گیرد. از طرف دیگر در همان فصل نخست نگارندگان از واژه های پارینه سنگی و نوسنگی و شهرنشینی استفاده کرده اند که دو واژه نخست یعنی پارینه سنگی و نوسنگی بیشتر نوعی تقسیم بندی فن شناختی (Technological) هستند اما پس از آنها واژه شهرنشینی می آید که بیشتر جنبه جامعه شناختی و معیشتی دارد و چندان با دو واژه نخست سنخیت ندارد. اگر نگارندگان پس از واژه های "دوران پارینه سنگی" و "دوران نوسنگی" از واژه "دوران مفرغ" استفاده می کردند، همگونی بیشتری را در زیرعنوان های این فصل به وجود می آوردند. البته از طرف دیگر اگر شیوه اقتصادی و اجتماعی در تقسیم بندی این فصل مد نظر بود، می شد از واژه ها "دوران شکاروگردآوری خوراک (Hunting and Gathering)" و "چراگردی"، "دوران کشاورزی (Farming and Herding)" و "روستانشینی" و "دوران شهرنشینی" استفاده کرد و انسجام صوری فصل را بیش از پیش حفظ کرد. در تقسیم بندهای فصول بعدی کتاب این وضعیت بهتر شده و زیرعنوان ها از نظر واژه شناسی و مفهوم سنخیت بیشتری با یکدیگر دارند.

نکته دیگر در ارتباط با شکل صوری و چارچوب کتاب تقسیم حجم کلی کتاب بر تعداد فصل های آن است. با وجود اینکه نگارندگان تلاش کرده اند تا حجم کلی کتاب را به طور مساوی بر تعداد فصول در نظر گرفته شده در کتاب تقسیم کنند و در حد امکان حجم فصل های کتاب از نظر تعداد صفحات نسبت به یکدیگر چندان نوسان نداشته باشد (که در بیشتر فصول کتاب موفق بوده اند) اما به نظر در برخی از فصل ها مانند فصل نخست و فصل سوم چندان موفق نبوده اند. برای مثال فصل نخست تنها ۱۴ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده و فصل سوم حدود ۱۲ صفحه اما فصل چهارم که در مورد دوران هخامنشی است حدود ۶۰ صفحه و فصل ششم که در مورد دوران ساسانی است حدود ۷۵ صفحه را شامل می شود. البته باید اشاره کرد که بخشی از این عدم توازن به میزان اطلاعات قابل دسترسی و کار پژوهشی انجام شده در هر یک از این دوره ها بر می گردد که در برخی دوره ها پژوهش های کمتری صورت گرفته (مانند دوره عیلام و ماد) و برخی دوره های تاریخی نیز هدف بسیاری از پژوهشگران و محققان بوده است (مانند دوره هخامنشی و یا ساسانی). نکته دیگری که در فصل بندی کتاب وجود دارد در

یکدست نبودن مطالب موجود در درون هر فصل است. برای مثال در فصل دوم که به فرهنگ و هنر دوران عیلام اختصاص یافته و به سه دوره عیلام قدیم، میانه و جدید تقسیم بندی شده، مخاطب شاهد تفاوت در زیرعنوان هاست. در زیر سرعنوان "هنر ایلام قدیم" سه زیرعنوان "نقش برجسته"، "پیکره سازی" و "مهرسازی" آورده شده است اما در زیر سرعنوان "ایلام میانی" ما شاهد زیرعنوان های "معماری"، "پیکره سازی" و "نقش برجسته" هستیم و سپس در زیر سرعنوان "هنر ایلام جدید" تنها به هنر نقش برجسته پرداخته شده و از سایر جنبه های هنری و یا معماری یا مهرسازی خبری نیست. با وجود اینکه این سوگیری و عدم توازن در توصیف و معرفی آثار و جنبه های فرهنگی و هنری هر دوره در سایر فصول تا این اندازه نمایان نیست اما با این حال چشم مخاطبان تیزبین را به خود جلب می نماید.

یکی از نکاتی که در بیشتر کتاب های درسی به ویژه کتب درسی تاریخی چندان رعایت نمی شود و همیشه یکی از مشکلات اصلی دانشجویان و آموزگاران و اساتید بوده، نبود تصاویر و طرح های مناسب و باکیفیت در چنین کتاب هایی است. خوشبختانه یکی از نقاط قوت اصلی این اثر وجود تصاویر و طرح های بسیار باکیفیت و رنگی است که متناسب با متن بوده و از نظر جاگزینی نیز درست در همان صفحات مرتبط با متن قرار گرفته اند و از این نظر تلاش صفحه آرا و حساسیت نگارندگان بسیار قابل تقدیر است. اما با این حال تعداد بسیار اندکی از تصاویر به ویژه نقشه ها در کتاب وجود دارند که برخلاف سایر تصاویر از کیفیت مناسب برخوردار نیستند؛ برای مثال شکل ۴-۱ نقشه قلمرو هخامنشیان، ۴-۲۷ پلان کاخ کوروش، شکل ۵-۱ قلمرو سلوکیان، شکل ۵-۲ قلمرو اشکانیان، شکل ۵-۱۰ نقش برجسته مهرداد دوم، شکل ۶-۱. قلمرو ساسانیان. اگر در ویراست های بعدی کتاب این نقشه ها نیز به مانند سایر تصاویر کتاب، اندکی با کیفیت تر ارائه گردند، قطعاً بر ارزش کتاب خواهد افزود. در کنار استفاده از تصاویر بسیار مناسب و با کیفیت یکی دیگر از نقاط قوت اصلی کتاب، روانی و سادگی متن و استفاده از زبانی گویا و خنثی در توصیف و توضیح موضوعات مختلف در هر فصل و هر بخش است. از آنجایی که مخاطب اصلی کتاب دانشجویان بوده و هدف اصلی کتاب نیز آموزش و انتقال مطالب است، این ویژگی یعنی روان خوانی و ساده نویسی اثر هر چه بیشتر هدف نگارش کتاب را برآورده می کند و این نشان از تسلط و آگاهی نگارندگان به موضوع و هدف اصلی کتاب و پایبند بودن به آن دارد.

از ویژگی های مهم دیگر در ساختار صوری کتاب ها که در پذیرش یا رد آنها در نزد مخاطب تاثیر فراوان دارد، صفحه آرایی کتاب می باشد. در اینجا باید اشاره کرد که انتخاب فونت، اندازه، چینش صفحات، هماهنگی متن با تصویر، یکدست بودن شروع و خاتمه فصول در صفحات فرد و زوج همگی به دقت و وسواس خاصی اجرا شده است که از ویژگی های تحسین برانگیز کتاب است. با این حال با وجود تلاش ها فراوان چند جایی در کتاب وجود دارد که ترتیب و نظم سطور به هم ریخته و از چشم صفحه آرا و مصححان کتاب به دور مانده است. برای مثال در صفحه ۳ کتاب در پاراگراف دوم در سطر دوم، جمله در وسط سطر قطع شده و ادامه آن در سطر بعد که خود به صورت یک پاراگراف مجزا است، ادامه دارد. یا در صفحه ۵ برای اشاره به استقرارگاه های دوران نوسنگی در ابتدای جمله که نیازی به استفاده از کلید Tab نبود، از آن استفاده شده و در ابتدای جمله اندکی جای خالی وجود دارد. یا در صفحه ۵۰ در سطر آخر، با وجود اینکه جمله تمام شده و پاراگراف پایان یافته است اما نقطه ای گذاشته نشده است. در صفحه ۸۵ کلمه "صخره ای" به حرف اضافه "به" چسبیده اند و به صورت سر هم به شکل "صخره ای به" در آمده است. در برخی از صفحات نیز در جایی که می بایست از فاصله استفاده شود از نیم فاصله استفاده شده که باعث شده دو کلمه جدا از هم در کنار یکدیگر قرار گیرند به یکدیگر بچسبند.

مبحث دیگری که در مورد شکل صوری اثر مورد توجه است جنبه حرف نگاری و استفاده از یک الگوی استاندارد مشخص در شکل واژه ها و اصطلاحاتی است که ممکن است به چندین شکل نوشته شوند. در این اثر در این مورد چندان سخت گیری نشده و نگارندگان در جاهای مختلف کتاب، گهگاه از واژه هایی یکسان اما با نگارشی متفاوت به فاصله اندکی از هم استفاده کرده اند. برای مثال لوحه های گلی (Tablets) اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد که روی آنها علائم اقتصادی و شمارشی ابتدایی نقش شده، به عنوان لوحه های آغاز عیلامی (Proto Elamite) معروف هستند. در صفحه ۷ از واژه "ایلامی" متقدم" استفاده شده اما در ادامه در پاراگراف بعد از واژه "پروتو عیلامی" استفاده شده است. قطعا در چنین کتاب هایی، مطلوب آن است که از واژه های استاندارد استفاده شده و در صورت استفاده از دو یا چند واژه با معنای یکسان، در پانویس در مورد آنها توضیح داده شود. نکته مهم دیگر در اینجا این است که معمولا برای جلوگیری از اختلاط معنایی ایلام (نام یک واحد سیاسی مدرن) و عیلام (نام یک فرهنگ و دوره باستانی)، در متون تخصصی و علمی واژه عیلام را برای یک دوره فرهنگی و تاریخی ایران زمین به کار می برند که

محدوده زمانی (۲۷۰۰ تا ۶۳۹ پیش از میلاد) و مکانی مشخصی (جنوبغرب ایران) را شامل می‌شود و واژه ایلام به استان و شهرستان ایلام اطلاق می‌شود که یکی از تقسیم‌بندی‌های سیاسی مدرن است. اما در این کتاب از واژه "ایلام" برای فرهنگ و تمدن عیلام باستان استفاده شده است که چندان در متون علمی و تخصصی رایج نیست. در صفحه ۸۵ کتاب واژه فروهر که به معنای روح و نیروی جاودانی حیات است، در چندین مورد به صورت "فره وهر" نوشته شده اما همین واژه در صفحه ۹۱ و ۹۳ به صورت "فروهر" آمده است. در صفحه ۱۰۶ تلفظ درست واژه بابلی Egibi، به صورت "اگیبی" است که در متن به شکل "اجی‌بی" آمده است. در ادامه همان صفحه واژه "موراشو" (Murashu) که اسم خاص یک بانکدار در دوران هخامنشی در میانرودان است به صورت "موراشی" نوشته شده است که با توجه به زیرنویس انگلیسی آن در همان صفحه، احتمالاً اشتباهی نگارشی می‌باشد. در صفحه ۱۴۴ در بخش تدفین‌های اشکانی زمانی که به تدفین‌های تابوتی به دست آمده از کاوش‌های فرانسوی‌ها در شوش اشاره می‌شود، به "Demecquenem, 1343: 737" ارجاع می‌دهد اما در بخش ارجاعات، این منبع به صورت Demecqunem 1943 آمده که صورت اخیر آن درست بوده و در متن کتاب احتمالاً به علت اشتباهات نگارشی، حالت نادرست آن آمده است. در مجموع باید گفت که با وجود این نقص‌ها کاستی‌های جزئی که معمولاً در همه کتاب‌ها دیده می‌شود، صفحه‌آرایی و ویراستاری کتاب تا اندازه‌ی زیادی قابل قبول بوده و قطعاً در ویراست‌های بعدی چنین کاستی‌ها و نقص‌هایی رفع خواهند شد.

۳. نقدی بر محتوا و درون‌مایه کتاب

همانطور که پیشتر اشاره شد، فرهنگ و هنر ایران پیش از اسلام یکی از موضوعات جذاب برای پژوهشگران حوزه تاریخ بوده است و نگارندگان مختلفی در مورد آن قلم زده‌اند. نگارندگان کتاب "تاریخ فرهنگ و هنر ایران (پیش از اسلام)" نیز به هدف فراهم آوردن منبعی درسی برای دانشجویانی که در رشته‌های مرتبط تحصیل می‌کنند، این اثر را تدوین و تا اندازه‌ی زیادی در نایل شدن به هدف خویش نیز موفق بوده‌اند. از جمله ویژگی‌های اصلی کتاب این است که با وجود حجم نه چندان زیاد صفحات (۲۳۰ صفحه) کتاب توانسته به معرفی بسیاری از ابعاد فرهنگی و هنری ایران از دوران پیش از تاریخ (هر چند بسیار کوتاه و مختصر) و دوران تاریخی (به طور مفصل‌تر) بپردازد و دامنه گسترده‌ای از ویژگی‌های این دوران را به نگارش در آورد و این از امتیازات آن است. یکی از

ویژگی‌های برجسته دیگر کتاب، اختصاص فصلی هر چند کوتاه به دوران تاریخی عیلام و تمدن شکوفای آن است. در بیشتر منابعی که به تاریخ ایران پرداخته اند، تمدن عیلام و این دوران تاریخی بسیار مهم و سرنوشت ساز که به باور بسیاری از متخصصان تاریخ و باستان‌شناسی یکی از شکوفاترین دوران حیات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری ایران زمین است، از نظر دور مانده و حتی اشاره ای به آن نشده است. اما در این اثر نگارندگان به خوبی به ضرورت اشاره به این فرهنگ و تمدن آگاهی داشته و دوران تاریخی ایران را شروع دوران عیلام دانسته که نشان از دقت نظر و تسلط آنها بر تاریخ ایران دارد. نکته دیگر اینکه کتاب تلاش کرده تا بی طرفی و عدم قضاوت در مباحث را رعایت کند و تا جایی که امکان دارد از ارزش داوری به دور باشد و با زبانی خنثی به توصیف فرهنگ و هنر دوران‌های مختلف پیش از اسلام ایران بپردازد. این خویشتن داری و متانت در توصیف تاریخ و فرهنگ ایران معمولاً موضوعی است که از چشم بیشتر نویسندگان ایرانی که در مورد تاریخ ایران قلم زده و می‌زنند، به دور مانده و می‌ماند اما این اثر تا اندازه زیادی در مهار این کشش درونی، موفق بوده است.

همانطور که گفته شد کتاب از نظر زمانی و موضوعی، قلمرو تاریخی وسیع و طیف گسترده ای از موضوعات را شامل می‌شود. از اینرو قطع یقین تسلط بر تمامی این قلمرو تاریخی و موضوعی از عهده یک یا دو پژوهشگر و نویسنده خارج است و از اینرو وجود برخی کاستی‌ها و غفلت‌ها در برخی موضوعات امری طبیعی است. با این حال به نظر نگارندگان در مورد دوران‌های تاریخی جدیدتر اطلاعات دقیق تری داشته و بر منابع مسلط تر بوده اند تا دوران کهن تر پیش از تاریخ. از همین رو برخی مباحث در کتاب وجود دارد که به نظر اندکی کهنه به نظر رسیده و اکنون در مباحث روز آن حوزه چندان مورد توجه نبوده و بحثی از آنها نیست. برای مثال در فصل نخست کتاب با عنوان "دوران پارینه سنگی (غارنشینی، جمع آوری غذا)" باید اشاره کرد که اکنون دیگر واژه غارنشینی چندان در ادبیات علمی و دانشگاهی برای دوران پارینه سنگی استفاده نمی‌شود و بیشتر اصطلاحی غیر تخصصی و عمومی برای این دوران است؛ چرا که انسان‌ها در دوران پارینه سنگی بیشتر اوقات خود را به منظور کسب خوراک در محیط‌های باز و دشت‌ها سپری می‌کرده و تنها برخی از مواقع سال را در درون غارها می‌گذرانده اند. علت اصلی یافت شدن آثار دوران پارینه سنگی در درون غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای (Rock Shelter) این است که نهشته‌های باستانی در این مکان‌ها کمتر در معرض فرایندهای فرسایش طبیعی

بوده و کشف این محل که تنها یکی از مکان‌های مورد استفاده گروه‌های انسانی در گذشته بوده آسان‌تر و دم‌دست‌تر است (دورتیه ۱۳۸۹).

در فصل دوم کتاب یعنی "فرهنگ و هنر عیلام" نگارندگان به خوبی به معرفی تمدن عیلام و تقسیم بندهای خردتر آن می‌پردازند. در این فصل که به سه بخش کوتاه‌تر دوران عیلام قدیم، میانه و جدید تقسیم شده، موضوعاتی مانند فرهنگ، مذهب، معماری و هنر (مهرسازی، پیکره‌سازی، نقش برجسته) معرفی و مورد بحث واقع می‌شود اما در میان این مباحث جای نگارش و خط و زبان عیلامیان خالی است. یکی از مهمترین تحولات دوران عیلام پیدایش و اقتباس خط است که نقشی بس مهم در سرنوشت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این تمدن داشته است. نگارندگان تنها در صفحه ۱۹ کتاب در توضیحی بسیار کوتاه در چند سطر اشاره می‌نمایند که "از زبان ایلامی که از نظر دستوری پیوندی است، اطلاع دقیقی در دست نیست و دانش زبان‌شناسی به طور قاطع به ریشه زبان آنها پی‌نبرده است." در مورد خط عیلامیان نیز در پاراگراف بعد تنها در سه سطر به آن اشاره شده است. در اینجا شایسته بود که نگارندگان دست کم به اختصار نیز در این مورد قلم می‌زدند و عنوانی از این فصل را به خط و زبان عیلامی اختصاص می‌دادند. این کاستی در مورد خط و زبان اشکانیان نیز دیده می‌شود و در عنوان‌های مربوط به فصل پنجم که به دوران سلوکی و اشکانی می‌پردازد، عنوان یا زیر عنوانی به زبان و خط اشکانیان اختصاص نیافته است.

در فصل سوم کتاب که به دوره ماد می‌پردازد مخاطب شاهد بررسی ابعاد بیشتری از فرهنگ و جامعه ماد بوده و در عین حال از هنر این دوران چندان سخن به میان نمی‌آید. این وضعیت درست حالت عکس‌آنچیزی است که در فصل دوم شاهد بودیم؛ یعنی تأکید بر تعداد خاص و محدودی از هنرهای دوران عیلامی در حالی که چندان به جنبه‌های سیاسی و اجتماعی این دوران که بسیار جذاب است پرداخته نشده است. از طرفی باید اشاره کرد در یک دهه اخیر بسیاری از انگاره‌های اساسی باستان‌شناختی نسبت به دوره ماد دگرگون شده و بسیاری از اندیشه‌های پیشین دیگر محلی از اعراب ندارند. اما با این حال در این فصل همچنان بر برخی از انگاره‌هایی که اکنون دیگر توافق چندانی روی آنها نیست تأکید شده است. برای مثال در بحث شهرسازی که در صفحه ۴۷ کتاب آمده، محوطه باستانی هگمتانه در شهر همدان به عنوان همان هگمتانه ای که مرکز حکومت ماد بوده و در منابع تاریخی آمده در نظر گرفته شده است و این در حالی است که کاوش‌های اخیر باستان‌شناختی انجام شده در این محوطه این نظر را تایید نمی‌کند (آذرنوش ۱۳۸۶؛ ملازاده و طارهری ۱۳۹۰).

در فصل چهارم کتاب که به فرهنگ و هنر دوران هخامنشی اختصاص یافته، شاهد معرفی و توصیف جنبه های زیادی از فرهنگ، هنر، معماری، خط، زبان و شیوه معیشت این دوران بوده و نگارندگان توانسته اند اطلاعات تقریباً فراگیری را از این دوران شکوفا ارائه نمایند.^۳ اما در فصل پنجم این کتاب که به فرهنگ و هنر دوران سلوکی و اشکانی اختصاص یافته با وجود اینکه در این فصل فرهنگ و هنر دوران اشکانی به خوبی و تقریباً به طور مفصل مورد توصیف و توضیح قرار گرفته است اما در مورد دوران سلوکی تنها به معرفی بسیار کوتاهی از نحوه نفوذ یونانیان در ایران و ارتباطشان با ایرانیان اشاره شده و به معرفی ۵ شهر یا محوطه دوران سلوکی بسنده کرده است که به سختی ۵ صفحه از کتاب (صفحات ۱۱۳ تا ۱۱۸) را به خود اختصاص داده است. در اینجا ما توصیفی از فرهنگ و هنر دوران سلوکی که به گواه خود نویسندگان دوره ای تاثیرگذار در حیات فرهنگی و هنری ایران بوده است، نمی بینیم و جا داشت که اندکی بیشتر در مورد این دوران قلم زده می شد. فصل پایانی کتاب که به فرهنگ و هنر دوران ساسانیان می پردازد مفصل ترین فصل کتاب است و همانطور که گفته آمد حدود یک سوم کل کتاب را به خود اختصاص داده است. در این فصل تقریباً هیچ جنبه ای از فرهنگ و هنر ساسانیان نیست که از چشم نگارندگان دور افتاده باشد و تا اندازه ای به تمامی جنبه های این دوره پرداخته شده است. بسیار مطلوب بود اگر نگارندگان چنین رویه ای را در فصل های دیگر یعنی فصل نخست، دوم و سوم کتاب نیز در پیش می گرفتند.

در مورد استفاده از منابع برای تدوین کتاب باید گفت که نگارندگان تلاش کرده اند تا از منابع موثق و متخصصان در هر زمینه استفاده نمایند. با وجود اینکه در بیشتر موارد از منابع درست و دست اول استفاده شده است اما در برخی موارد در کتاب منابع به روزتر و دست اول تری نیز وجود دارد که نگارندگان از آنها استفاده نکرده اند. برای مثال در مورد منابع بخش پارینه سنگی، منابع جدیدتر و دست اول تری مانند بیگلری (2007) و وحدتی نسب (2011) نیز وجود داشته اند که اطلاعات دقیق تر و به روزتری را ارائه می کرده اند. یا در صفحه ۵ و ۶ که در مورد تپه سیلک در کاشان توضیح کوتاهی ارائه شده، ارجاع به جیمز ملارت (Mellaart 1975) است که جزو منابع دست اول نیست و این در حالی است که کتاب سیلک در دو جلد به قلم رومن گیرشمن (Roman Ghirshman) کاوشگر فرانسوی محوطه وجود دارد و به زبان فارسی نیز ترجمه شده و در دسترس است (گیرشمن ۱۳۷۹، ۱۳۸۹). یا در صفحه ۱۹ زمانی که نگارندگان به دوره عیلام میانه اشاره می کند برای ارجاع به ساخت و سازهای شهر دوراونتاش (DurUntash) یا همان چغازنبیل

به حریریان و دیگران ارجاع می‌دهند؛ با وجود اینکه این کتاب منبع مناسبی است اما جزو منابع دست اول مرتبط با موضوع به حساب نمی‌آید و این در حالی است که منبع دست اولی مانند چغازنبیل نوشته رومن گیرشمن (گیرشمن ۱۳۷۳) که کاوشگر محوطه است وجود دارد و به زبان فارسی نیز برگردانده شده است. جالب است که نویسندگان در جاهای دیگر کتاب از این منبع استفاده کرده است اما مشخص نیست که چرا در جای دیگر منابع دست چندم را به منابع دست اولی که در دسترس بوده اند ترجیح داده است.

۴. نتیجه‌گیری

تاریخ فرهنگ و هنر ایران (پیش از اسلام) کتابی است که از نظر چاپ، جلد، صفحه‌آرایی، روانی متن و سادگی عبارات، کیفیت تصاویر و بازنمایی‌ها به خوبی از عهده کار خویش برآمده. کتاب در یک چارچوب زمانی صورتبندی شده و یک سیر تاریخی را پی‌گرفته و مرحله به مرحله ویژگی‌های فرهنگی، هنری، آیینی و تا اندازه‌ای اقتصادی جوامع تاریخی ایران را تا پیش از اسلام بررسی و توصیف می‌کند. با وجود اینکه این پی‌جویی با افت و خیزهایی همراه است اما تلاش نگارندگان برای هموار و همگون کردن جریان کلی کتاب تا اندازه‌ای قابل قبولی فصول کتاب را یکدست کرده است. از اینرو مخاطبان کتاب که به نظر قشر دانشجوی و افراد عادی علاقه‌مند به دوران تاریخی ایران است می‌توانند با بهره‌گیری از زبان ساده و روان آن، آشنایی کلی و مختصری را با اصلی‌ترین ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، هنری و گهگاه اقتصادی، اجتماعی و آیینی جوامع ایران پیش از اسلام حاصل کرده و شناختی ابتدایی از وضعیت فرهنگی و هنری این دوران به دست آورند. با وجود اینکه نویسندگان در هیچ یک از موضوعات و عنوان‌هایی که در مورد آن در کتاب بحث کرده‌اند، عمیق نشده و تنها به بیان اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین توضیحات در هر مورد پرداخته‌اند اما فراگیر بودن کتاب و تلاش نگارندگان در گرد آوردن مطالب مختلفی از طیف گسترده‌ای از ویژگی‌های فرهنگی، هنری، آیینی، اقتصادی و اجتماعی، کتاب را به یک منبع مناسب برای دانشجویان و سایر مخاطبانی که قصد آشنایی کلی و مختصر با فرهنگ ایران پیش از اسلام را دارند، تبدیل کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. با وجود اینکه در پیشگفتار نگارندگان چندان به اهداف و علت اصلی نگارش کتاب نمی‌پردازند و تنها به مقدمه ای کوتاه از سیر تطور فرهنگی ایران و سپس مروری بر محتوای فصول کتاب بسنده می‌کنند اما با مروری بر اهداف هر فصل که در ابتدای فصل‌های کتاب به طور مختصر آورده شده، در می‌یابیم که کتاب به منظور آشنایی دانشجویان با فرهنگ و هنر ایران پیش از اسلام به نگارش درآمده و ساختار و محتوای آن نیز دلالت بر همین امر دارد.
۲. البته بین دوره نوسنگی و مفرغ، دوره ای به نام مس و سنگ نیز وجود دارد که دوره ای بسیار سرنوشت ساز برای فرهنگ‌های عصر مفرغ است که نویسندگان کتاب از ارائه آن در کتاب صرف نظر کرده‌اند.
۳. در صفحه ۹۰ کتاب زمانی که نویسندگان در حال توصیف تندیس سنگی داریوش هستند که نیمه بالایی آن شکسته و مفقود شده، اشاره می‌کنند که "از داریوش تندیس در مصر به دست آمده که از سنگ تیره است". تندیس مورد اشاره احتمالاً با توجه به مشخصات و خط هیروگلیفی که (البته در کنار خطوط میخی عیلامی، اکدی و پارسی باستان) روی آن نقش شده، در مصر ساخته شده است اما این تندیس یا مجسمه در کاوش‌های فرانسوی‌ها به سرپرستی ژان پرو در سال ۱۹۷۲ در محوطه شوش به دست آمده است و اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

کتاب‌نامه

- آذرنوش، مسعود ۱۳۸۶، گزارش مقدماتی کاوش‌های لایه شناختی تپه هگمتانه همدان، "گزارش‌های باستانشناسی، شماره ۷ جلد اول (مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستانشناسی ایران، پژوهشکده باستانشناسی"، تهران، سازمان میراث فرهنگی ۱۹-۶.
- دورتیه، ژان فرانسوا ۱۳۸۹، انسان شناسی: نگاهی نو به تحولات جسمانی، فرهنگی و روانشناختی انسان، برگردان جلال الدین رفیع فر، تهران، انتشارات خجسته.
- گیرشمن، رومن ۱۳۷۸، سیلک، برگردان اصغر کریمی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، جلد اول.
- گیرشمن، رومن ۱۳۸۹، سیلک، برگردان اصغر کریمی و آزیتا همپارتیان، انتشارات مرسل، جلد دوم.
- گیرشمن، رومن ۱۳۷۳، چغازنبیل: زیگورات، برگردان اصغر کریمی، سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد اول.
- مستقیمی، علی اکبر و احمد دهقان ۱۳۹۴، تاریخ فرهنگ و هنر ایران (پیش از اسلام)، تهران، دانشگاه پیام نور.

جواد حسین‌زاده ساداتی ۱۳

ملازاده کاظم و معصومه طاهری دهکردی ۱۳۹۰، تاریخچه، جایابی و ساختار همگمانه مادی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۶.

Biglari, F., 2007, The Lower and Middle Paleolithic Occupations of Iran: A Brief Review, In Iran, Fragments from Paradise, pp. 31-39, Instituto Nacional de Antropologia e Historia, Mexico City

VahdatiNasab, H., 2011, Paleolithic Archaeology of Iran, International Journal of Humanities, Volume 18(2): 63-87.

